

جنایت حکومت اسلامی علیه افغانستانی ها را محکوم میکنیم

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران



برگزاری روز کارگر در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

توسط فعالین کارگری و اگر بحران کرونا و محدودیتهای بهداشتی و اجتماعی به دلیل شرایط کنونی و قرنطینه شدن مردم پیش نمی آمدند، امسال ما میتوانستیم مراسم و مارشهایی با شکوه را تجربه کنیم. بدلیل اعتراضات وسیع و کوبنده مردم در نزدیک به دویست شهر در سطح سراسری و در تعداد زیادی از شهرهای کردستان در آبان ماه و دی ماه ۹۸، بدلیل اعتراض اجتماعی و توده ای کارگران و مردم علیه بیکاری، علیه فساد و دزدی و علیه جمهوری اسلامی و دولت روحانی. با وجود محدودیتهای شرایط کرونا ما شاهد برگزاری چند گلگشت و مراسم جشن در شهرهای کردستان بویژه در سقز و سنندج و... بودیم. تعداد زیادی از کارگران و مردم جشن روز کارگر را با پرچمهای قرمز جشن گرفتند.

در استانه روز کارگر ۹۹ چندین بیانیه و قطعنامه توسط فعالین کارگری و تشکلهای گروه های کارگری منتشر شد. در تعدادی از دانشگاه ها از جمله در تهران، نجف آباد، مشهد، بابل و اصفهان دانشجویان همراه با بازنشستگان، فعالین کارگری در سقز و کرمانشاه بیانیه های مشترکی را منتشر کردند. اتحاد و همدلی کارگران و بیانیه های مشترک با دانشجویان حاصل اعتصابات و اعتراضات پر جنب و جوش کارگران در سالهای گذشته است.

۲ صفحه

ننین در ۱۵۰ سالگی

صفحه ۳

ناصر اصفری

داستان خلیج "همیشه فارس" و اسلام و ناسیونالیسم همیشه مرتجع!

صفحه ۴

محسن ابراهیمی

کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

صفحه ۵

یدی محمودی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

عزیزه لطفی

اطلاعیه های خبری حزب

اعتصاب کارگران آذراب و سیمان نوشان و حمایت های بین المللی از کارگران زندانی و معلمان در بند

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۰ اخباری از اعتراضات کارگری

اعتصاب ۳۵۰۰ کارگر معدن زغال سنگ کرمان تجمع و تظاهرات کارگران اخراجی شرکت حفاری نفت در جنوب

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۱ اطلاع رسانی حق مردم است. دستگیری محکوم است!

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنایت حکومت اسلامی علیه افغانستانی ها را محکوم میکنیم



جمهوری اسلامی روز گذشته به يك جنایت فجیع دیگر دست زد. ماموران مرزبانی جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های فاشیستی حکومت، دهها نفر از پناهندگان و مهاجرین افغانستانی که قصد ورود به ایران را داشتند دستگیر و شکنجه کرده و سپس به رودخانه پرتاب کرده اند. خبرها حاکی از آن است که حداقل ۲۳ نفر که يك کودک و چند نوجوان نیز در میان آنها بوده اند، مفقود شده که به احتمال زیاد غرق شده اند. تاکنون جسد شش نفر از آنها به هرات تحویل داده شده است.

روز ۱۳ اردیبهشت (۲ مه)

بیش از پنجاه نفر از افغانستانی های مقیم ایران از نواحی مرزی تورغندی در نزدیکی شهرستان گلران استان هرات قصد ورود به ایران را داشتند، که توسط مرزبانی جمهوری اسلامی که زیرمجموعه ای از نیروهای انتظامی است، بازداشت شده و بشدت مورد شکنجه و آزار و توهین قرار می گیرند. مرزبانان برخی از آنان را مجبور می کنند که لخت شوند، سپس توسط مرزبانان به زور به داخل آب گل آلود رودخانه هریر انداخته می شوند. تعدادی که شنا بلد بودند توانستند خود را

نجات بدهند، تعدادی غرق و تعدادی مفقود شده اند. تعدادی توانسته اند جان خود را نجات بدهند میگویند مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند.

چند روز قبل حسین قاسمی، دبیر کمیته اجتماعی انتظامی ستاد ملی مدیریت کرونای حکومت در اظهار نظری فاشیستی گفته بود که شهروندان کشورهای افغانستان و پاکستان اجازه ورود به ایران را ندارند چون "هم دارای بیماری هستند و هم می توانند مشکلات دیگری برای ما ایجاد کنند." این ادعا در حالی است که اولین بیماران مبتلا به کرونا در افغانستان و پاکستان از ایران وارد این دو کشور شده بودند. مرزبانی جمهوری اسلامی که زیر نظر سپاه فعالیت میکند گفته است که "با افغانستانی ها با رفت اسلامی برخورد میکنیم."

جمهوری اسلامی به روال همیشگی جنایت خود را تکذیب میکند. اما دنیا "حکومت رفت اسلامی" را بویژه پس از سرنگونی هوایم ای اوکراینی و سه روز تلاش برای مخفی نگهداشتن نقش سپاه در این جنایت و نهایتاً اعتراف اجباری به آنرا میشناسد. این

اولین بار نیست که جمهوری اسلامی با شهروندان افغانستانی چنین رفتار میکند. سال گذشته نیز شماری از کارگران افغانستانی در بدو ورود به مرزهای ایرن با تیراندازی سنگین نیروهای مرزی جمهوری اسلامی کشته شدند. روزی نبوده است که در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی جنایتی علیه افغانستانی های مقیم ایران صورت نگرفته باشد. حتی کودکان افغانستانی را از تحصیل محروم کردند، ازدواج ایرانی افغانستانی را ممنوع کردند، ورود و اسکان افغانستانی ها به ۳۷ شهر در ۱۷ استان کشور و برخی اماکن را ممنوع کردند و هزار جنایت دیگر علیه آنها مرتکب شده اند. و نه فقط با شهروندان افغانستانی بلکه جمهوری اسلامی با اکثریت مردم همین رفتار را داشته است. هفته ای نیست که چند کولبر به دست مزدوران حکومت کشته نشوند، هفته ای نیست که تعدادی از مردم حق طلب دستگیر نشوند، هفته ای نیست که چند نفر با جرثقیل حکومت به قتل نرسند. این حکومت سراپا جنایت و فساد و نکبت است و تنها با سرنگونی آن به این جنایات پایان داده میشود.

جنایت هولناک جمهوری اسلامی علیه افغانستانی ها را باید وسیعاً محکوم کرد. حزب کمونیست کارگری همه جریانات سیاسی، تشکلهای کارگری، فعالین اجتماعی و همه مردم آزاده را فرا میخواند که صدای خود را علیه این جنایت بلند کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

۳ می ۲۰۲۰

از صفحه ۱ برگزاری روز کارگر در...



سیاسی بوده اند. تامین معیشت و حقوق های پایه برای خانواده و شهروندانی که بدون حقوق و درآمد هستند بخش مهمتر خواست کارگران در روز کارگر امسال را شامل شده است.

گفتارهای سیاسی (پیامهای صوتی و تصویری، قطعنامه و بیانیه ها) کارگران بر بستر شعار و اعتراضات توده ای و اجتماعی شکل گرفته اند که در آبان و دی ماه ۹۸ در کف خیابانها توسط مردم علیه بیکاری، فساد، دزدی و برای نابودی حکومت اسلامی بدست گرفته شده اند. وقتی که کارگران و معلمان و بازنشستگان میگویند "منزلت معیشت حق مسلم ماست" به معنی تامین معیشت و حق برخورداری از بیمه بیکاری و حقوق های پایه برای تامین معیشت است که در گفتارهای سیاسی کارگران با استواری و محکم بیان شده اند. در روز کارگر امسال بخشهای زیادی از کارگران استوار و قدرتمند از حق انسانی و برخورداری از معیشت و حقوقهای بالاتر از خط فقر دفاع کردند. اول ماه می امسال جلوه ای درخشان از تبلور اعتراض و مبارزات اجتماعی برای رفاه و برابری، منزلت و معیشت بود.

امسال به نظر من کارهای جالبی برای گرامیداشت روز کارگر انجام شد. از جمله؛ «از سوی فعالین کارگری و اکتیویست های اجتماعی گروه های گرامیداشت اول مه از جمله گروه تلگرامی «اول مه روز جهانی کارگر» شکل گرفت. روز اول مه، در گروه ویژه اول مه «اول مه روز جهانی کارگر» که از قبل تشکیل داده بودند همزمان جمع شدند و اول مه را آنلاین برگزار کردند. در این گروه حدود ۳۰۰ نفر از فعالین کارگری و اجتماعی گرد آمده بودند و پست هایی به مناسبت این روز در گروه منتشر کردند. در یکی از پست ها چنین آمده بود: "سال گذشته اول مه روز جهانی کارگر را در مقابل مجلس برگزار کردیم و امسال سیصد نفر از کارگرانیم که اینجا در این گروه جمع شده ایم و روز همیستگی جهانی کارگر را گرامی میداریم. امسال ما با قطعنامه ها

و بیانیه هایمان صدای اعتراض همه کارگران و همه مردمیم. در قطعنامه ها و بیانیه هایمان اعلام کردیم که دستمزد چند بار زیر خط فقر را نمی پذیریم. دستمزد باید به بالای خط فقری که ۹ میلیون اعلام شده افزایش یابد. اعلام کردیم و گفتیم درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای تمام کودکان و مسکن مناسب از حقوق پایه ای ما مردم است. اعلام کردیم و فریاد زدیم کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و در این کورنا زندانها باید تعطیل شوند. اعلام کردیم و گفتیم باید همه مردمی که درآمدی ندارند یا بی درآمد هستند معیشتشان تامین گردد و مقرری برای تامین زندگیشان پرداخت شود. گفتیم معیشت، منزلت، حق مسلم ماست."

در ادامه سرود اترناسیونال با کلیپی که در آن عکس هایی از اعتراضات کارگری نمایش داده میشد به زبانهای دیگر همچون فرانسوی، انگلیسی و ترکی پخش شد. سپس قطعنامه های مختلف کارگری در صفحه گذاشته شد. این صفحه همچنان دایر است و گفتمان ها بر روی روز جهانی کارگر، خواستها و اعتراضات کارگران، خواستها و اعتراضات معلمان داغ است و خواست آزادی کارگران، معلمان، و تمامی زندانیان سیاسی و لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای تمامی فعالین سیاسی برجسته است و میسرخشد.» (بخشهایی از گزارش شهلا دانشفر) حضور فعال کارگران و توده وسیعی از مردم بمناسبت گرامیداشت روز کارگر پشتوانه محکم و قابل اتکای جامعه است که در تدارک طوفانهای اعتراضی و مبارزاتی و اعتصاب و اداره شورایی است.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

۵ می ۲۰۲۰



کلید پیشروی و پیروزی حزب و سازمانیابی و سازماندهی حزبی است. به حزب مقابله با کل دستگاه جباول و سرکوب جمهوری اسلامی، به حزب انقلاب و رهایی، به حزب کمونیست کارگری ایران ببینید.

برای تماس با حزب، ارسال خبر و گزارش، همکاری و عضویت بنویسید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

شماره تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
ای میل: tamas.wpi@gmail.com
تگگرام: @sazmande

جمهوری اسلامی به روال همیشگی جنایت خود را تکذیب میکند. اما دنیا "حکومت رفت اسلامی" را بویژه پس از سرنگونی هوایم ای اوکراینی و سه روز تلاش برای مخفی نگهداشتن نقش سپاه در این جنایت و نهایتاً اعتراف اجباری به آنرا میشناسد.

لنین در ۱۵۰ سالگی



لنین ۲۲ آوریل ۲۰۲۰، ۱۵۰ ساله می شد. به مناسبت این سالگرد، البته در متنی مثبت، یکی نوشته بود که الان کسی لنین نمی خواند! کمی به گفته‌اش فکر کردم دیدم که احتمالا درست گفته باشد؛ اما با این همه چرا به نظر می‌آید که همه او را فرامی‌خوانند؟

به این فکر کردم که در دوران قبل از این وضعیت بحرانی، دانشگاه‌ها و متخصصین سمپوزیوم می‌گذاشتند درباره گرامشی، روزا لوکزامبورگ، تروتسکی، هگل و امثالهم. جوانان کنار دریاها کلاه ستاره دار و تی شرت چگورا می پوشیدند. پارتیزانان مانوئیست در جنگهای هند و کوه‌های نپال کتاب سرخ مائو می‌خواندند. دنبال کردن همه اینها، بعضا برای سرگرمی، بسیار خوب و با ارزشند؛ اما به درد امروز نمی‌خورند. توده‌ها امروز مارکس می‌خوانند و لنین را صدا می‌زنند. توده مردمی که ویروس کرونا، در همدستی با نظام سودجویانه سرمایه‌داری زندگی را بر آنها تباہ کرده است، می‌داند این لنین است که او را از اینگونه بحرانها با خسارتی حداقل عبور می‌دهد. لنین را نخوانده است اما او را با گوشت و پوست خود لمس می‌کند.

تاریخ به ندرت آدم‌هایی مثل لنین به خود می‌بیند. لنین را می‌شود با اسپارتاکوس مقایسه کرد. شاید بشود رویسپیرا هم با این دو در یک ردیف قرار داد؛ اما این کلوبی با اعضای بسیار محدودی است.

کارهایی را که لنین انجام داد، و یا حزب بلشویک و حکومت شوروا را به سمتی سوق داد که انجام دهند، یکی دو و سه تا نیستند. لنین و شوروا به چنان اقداماتی دست زدند که دنیا از هر دو

کنم که بدون آن از خود لنین هم امروز نامی نمی‌بود. چیزی به نام انقلاب اکتبر نمی‌داشتیم و آن هم ترحب است. حزبی آماده برای دست بردن به قدرت سیاسی.

وقتی که سخن از لنین به میان می‌آید، انقلاب اکتبر و یا کلا انقلاب برجسته می‌شود. او جانی درباره انقلاب می‌گوید: برای آنکه انقلابی به وقوع بپیوندد، اینکه توده‌های استثمار شونده دیگر نخواهند به سبک پیشین زندگی کنند، کفایت نمی‌کند؛ بلکه طبقه استثمار کننده هم توانایی حکومت به سبک گذشته را از دست داده باشد. و اضافه می‌کند که انقلاب بدون یک بحران سراسری غیرممکن است. اما همه می‌دانیم که بدون حزب بلشویک آن بحران انقلابی ۱۹۱۷ را، منشویکها و اس‌رها، در همدستی با کادتها و اکتبریسنها کنترل می‌کردند و بقول بعضی از مورخین، روسیه هم ایتالیایی دیگری می‌شد. به یک معنا، انقلاب به این معنا نیست که همیشه کمونیستها و سوسیالیستها به قدرت می‌رسند. نمونه‌های برعکس بیشترند. برای ما این نمونه برجسته است که حزبی با برنامه‌ای کمونیستی و با هدف سازماندهی طبقه کارگر برای یک انقلاب کارگری ایجاد و تقویت کنیم.

تر لنین درباره انقلاب را نمی‌توان به این تقلیل داد که حزب درست کنید و منتظر بحران سراسری بمانید. حزب توسط بخش آگاهتر توده‌های استثمار شونده ایجاد می‌شود و در سوخت و ساز جامعه دخالت فعال دارد. حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، بخصوص از انقلاب ۱۹۰۵ دخالت بسیار فعالی در جامعه داشت و بعدها هر دو جناح بلشویک و منشویک آن همچنان در جامعه خلقانی روسیه پسا سرکوب انقلاب فعال ماندند؛ منتها در اشلی ضعیفتر. اما در همه شئون زندگی سیاسی جامعه حضور فعالی داشتند.

امروزه در بین بسیاری از انقلابیون چپ، بحث ترحب از مد افتاده است. بحث ترحب لنین را اگر مستقیما به سرخه بگیرند، بطور ضمنی و بعضا رسما و علنا می‌گویند که درافزوده ترحب لنین محصول روسیه تزاری بود. بحث لنین به درست این بود که مدل حزب بلشویک دوران قبل از انقلاب، مختص موقعیت روسیه بود؛ اما قدرت سیاسی حاصله از انقلاب، علی‌العموم بدون یک حزب کمونیستی غیرممکن است به دست طبقه کارگر بیافتد. کسی

نمی‌خواهد برای ایران و یا کانادا و فرانسه ۲۰۲۰ حزب کمونیست روسیه ۱۹۱۴ بسازد. اما اگر یک کمونیست جدی است و هدفش تغییر دنیاست باید مترحب بشود. تاکید کنم حزب طبقه کارگر روسیه ۱۹۱۴ با حزب طبقه کارگر در ایران ۲۰۲۰ و یا ترکیه و فرانسه ۲۰۲۰ حتما متفاوت خواهد بود؛ اما این همچنان "حزب" است که تغییر را ممکن می‌کند! روزانه هزاران اعتراض می‌بینیم با دخالت میلیونها نفر که حتی نتوانسته‌اند سرمایه‌داری را وادار به عقب نشینی از ریاضت اقتصادی و کاهش بیمه‌ها هم بکنند. سؤال برای ما باید این باشد که آن چه حلقه گم شده‌ای است که به سرمایه‌داری این قدرت را داده که در برابر اعتراض کارگر کوتاه نیاید؟

طبقه کارگر طبقه‌ای است با جنبش‌های اعتراضی متعددی که یک سر آن در بین کارگران است، سر دیگر آن در بین جنبش اعتراضی زنان و جوانان و امثالهم. طبقه کارگر احتیاج به حزبی دارد با برنامه‌ای که مبارزات این جنبشها برای سرنگونی قدرت بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی را هدایت می‌کند. این جنبش‌ها به خودی خود و با مطالبات صرفا صنفی خود نمی‌توانند قدرت را از دست دشمنان طبقه کارگر در بیاورند. حتما مبارزه برای مطالبات روزمره جزئی از مبارزه این جنبشها و جزئی از مبارزه حزب طبقه کارگر است، اما کل مبارزه‌اش برای رهائی بشریت نیست. اگر جنبشی خود را در همین حدود تعریف کند، در بهترین حالت قدرت را از بخشی از بورژوازی گرفته و به بخش دیگری از آن اهدا خواهد کرد. نمونه انقلاب ۱۳۵۷ ایران معرف حضور بسیاری از انقلابیون آن دوره است.

طبقه کارگر احتیاج به حزبی دارد که جواب جنبش دمکراسی خواهی و پارلمانتاریسم را داده باشد. جواب ناسیونالیسم را داده باشد. جواب سندیکیالیسم را داده باشد. جواب فمینیسم را داده باشد. طبقه کارگر احتیاج به طرفی دارد که دست فعالین جنبش‌های اعتراضی برای سوسیالیسم را در دست هم بگذارد. فعالین در جنبش کارگری و زنان و غیره را هم‌منظر بکند. توجه فعالین میدانی را به خود جلب کند. آن چپی که فکر می‌کند کارگر احتیاجی به ترحب ندارد و یا با بحثهای کشفانی که هیچوقت تمام



ناصر اصغری

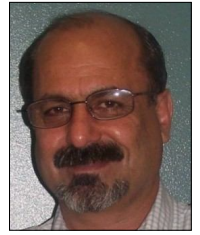
شدنی نیستند دائم دارد چهارچوب برای حزب می‌تراشد، به درد کارگر نمی‌خورد. شاید روزی یک لیوان چای برای کارگری که در پیکت اعتصاب است ببرد تا خستگی در کند، اما کمکی در مبارزه‌اش برای خلاصی نمی‌کند. آن روشنفکری که دائم فکر می‌کند برای مبارزه کارگر باید ادبیات مختلف از زوایای مختلفی درباره قانون ارزش اضافه مارکس بخواند، اما به فکر متشکل و مترحب کردن کارگر نیست، به درد مبارزه کارگر نمی‌خورد. کارگر در مبارزه‌اش بر علیه جمهوری اسلامی احتیاجی به توضیح و تشریح تفاوت در نظرات کائوتسکی و هیلفر دینگ درباره نظریه امپریالیسم ندارد. هیچ آدم عاقلی احتیاج به خواندن و درک قانون جاذبه برای فهمیدن افتادن از بلندی ندارد.

چپهای زیادی راه راحت‌تری را انتخاب کرده و سرشان را با انشانویسی گرم کرده‌اند. در بهترین حالت دارند یک کانال تلگرامی می‌چرخانند، در فیسبوک کامنت می‌نویسند و کارهای این تیپ می‌کنند. همه این نوع سرگرمی‌ها به درجاتی مثبت هستند، اما اگر در مبارزه نهایی در اختیار گرفتن قدرت سیاسی نباشند، صرفا سرگرمی‌های دیگری هستند. کارگر احتیاج به حزب دارد، برای اینکه احتیاج دارد که از این وضعیت رهائی

یابد. اینها دست آوردهای لنین هستند. او به دست حزب را اسلحه کارگر برای تصرف قدرت سیاسی می‌دانست و تمام عمرش را صرف صیقل دادن این سلاح کرد. لنین به کسانی که فکر می‌کردند حزب کلوب بحثهای نامربوط و حوصله سر بر است بی‌اعتنایی می‌کرد.

در صد و پنجاهمین سالگرد تولد لنین، به ارج و به پاس زحمات بی‌پایانش برای رهائی بشریت، حزبستان را تقویت می‌کنیم. زنده باد یاد لنین! اول ماه مه ۲۰۲۰

طبقه کارگر احتیاج به حزبی دارد که جواب جنبش دمکراسی خواهی و پارلمانتاریسم را داده باشد.
جواب ناسیونالیسم را داده باشد. جواب سندیکیالیسم را داده باشد. جواب فمینیسم را داده باشد.
طبقه کارگر احتیاج به طرفی دارد که دست فعالین جنبش‌های اعتراضی برای سوسیالیسم را در دست هم بگذارد.
فعالین در جنبش کارگری و زنان و غیره را هم‌منظر بکند. توجه فعالین میدانی را به خود جلب کند.



محسن ابراهیمی

هر وقت کسی در گوشه ای در مقابل اسم خلیج، کلمه "عربی" بکار میبرد فوراً اسلام و ناسیونالیسم - اسلامیون حاکم و ناسیونالیستهای در "اپوزیسیون" - به آغوش هم در می غلظند. این بار مایک پمپئو با بکار بردن "خلیج عربی" در گفتگویی این دو ارتجاع را مجدداً به آغوش هم هل داده است.

۱۶ سال پیش وقتی نشریه نشنال جئوگرافیک مقابل عبارت "خلیج فارس" و داخل پراتنز "خلیج عربی" نوشته بود، نعره های مشترک لشکر اسلام و ناسیونالیسم به آسمان بلند شد که این خلیج همیشه فارس بوده و همیشه فارس خواهد ماند!

همانوقت دو سمفونی "خلیج فارس" درست شد. یکی توسط دولت اسلامی حاکم در تهران و دیگری توسط "اپوزیسیون" ناسیونالیست در لوس آنجلس.

تقریباً همزمان به این "تجاوز" نشنال جئوگرافیک به "عزت ملی و اسلامی"، در میدان شهر کوچک نکا در شمال، قاضی حاج رضایی شخصاً طناب دار بر دور گردن دختر دانش آموز ۱۶ ساله ای انداخت و او را دار زد. جرمش چه بود؟ "جریحه دار کردن عفت عمومی"! بعداً معلوم شد که عطفه در دادگاه افشا کرده بود که عضو ۵۱ ساله سپاه به نام علی دارابی به وی در زندان بهشهر بارها تجاوز کرده بود!

جمهوری اسلامی که جان این نوجوان را گرفته بود؛ اما با مشاهده این جنایت، در میان ناسیونالیستهای حماسه سرا برای "خلیج همیشه فارس" حتی یک رگ ناقابل هم متورم نشد. غیر از این هم البته نباید انتظار داشت.

زمانی دیگر، خبر "هتک حرمت ناموسی" دو زائر جوان ایرانی در جریان حج عمره در فرودگاه جده توسط شرطه های عربستان سعودی، فرصت دیگری فراهم کرد که ناسیونالیسم و ارتجاع اسلامی باهم جنب و جوش مشترکی راه بیندازند.

جمهوری اسلامی که خودشت پرونده سنگینی از تجاوز به دختران جوان در زندانهایش را دارد، مقابل سفارت عربستان یک تظاهرات فرمایشی ناموسی راه انداخت تا چند صد نفر بسیجی از ناموس "ایرانیها" در مقابل "عربها" دفاع جانانه کنند! شنیدن نعره های "حیدر حیدر" در کنار "ای ایران ای مرز پرگهر" در این تجمع "ناموسی، ملی، میهنی، اسلامی" چندش آور اما تماشایی بود!

همین زمان، تمام رذالت و دنائت و خونخواری و پلیدی مشترک در کاراکتر اسلام و ناسیونالیسم، نژاد پرستی مشترک میان اسلامیون حاکم و ناسیونالیستهای در "اپوزیسیون" را جوجه فاشیستی به نام بهزاد یکس در آهنگ "عرب کش" در هم آمیخت. "عرب کش" در پس زمینه ای از پوسته های خامنه ای و قاسم سلیمانی و کورش وعده داد که "عربها" را در پای مقبره کورش گردن خواهند زد! از پیش بگویم که مردم آگاه و پیشرو و انساندوستی که برای نابودی حکومت اسلامی بپاخته اند، این آرزوی جلادی مشترک اسلام و ناسیونالیسم را به گور خواهند سپرد.

کشمکش میان شیوخ حاکم در منطقه و جمهوری اسلامی بر سر نام خلیج و دلایل و اهدافی که دو طرف دنبال میکنند و همچنین داستان دست به گردن شدنها مکرر اخیر میان اسلامیون حاکم و ناسیونالیستهای در "اپوزیسیون" موضوعاتی مهم هستند که در فرصتی دیگر باید به آنها مفصلتر پرداخت. فعلاً اینجا توجهتان را به مطلبی جلب میکنم که در غوغای مربوط به نشنال جئوگرافیک نوشته بودم تحت عنوان "دوئل بر سر خلیج".

دوئل بر سر خلیج

آی آدمها بهوش باشید! اتفاقی افتاده است. اتفاقی بسیار حیاتی! جنایتی رخ داده است. غیرتها بیدار شده اند. رگها متورم شده اند. خونها به جوش آمده اند. شاهپرستان، گروه ضربت خلیج فارس تشکیل داده اند. سایت میهن پرستان طومار جمع میکنند. ناسیونالیسم عظمت طلب دوشادوش سران حکومت اسلامی اعلام کرده اند این تجاوز به خاک

و رجاوند را بی پاسخ نخواهند گذاشت. جمهوری اسلامی فعالیت خبرنگاران موسسه نشنال جئوگرافیک را ممنوع کرده است. میهن پرستان، اطلس جدید را بایکوت کرده اند. اعلامیه داده اند که "آی آدمها خلیج فارس از روز اول با نام ایران بود و جاودان خواهد بود." حزب مرز پرگهر مطالباتش را اعلام کرده است: همه نسخه های اطلس جدید باید جمع شوند! موسسه نشنال جئوگرافیک باید از پیشگاه مردم میهن پرست ایران پوزش بخواهد!

چه اتفاقی افتاده است؟ به کجا تجاوز شده است؟ کدام جنایت اینچنین شاه پرستان را به آغوش خدایپرستان انداخته است؟ باز هم دختری نوجوان مورد تجاوز قرار گرفته است و بالای دار رفته است؟ نه خیر، همین دیروز قاضی الله در شهر نکا به عطفه رجعی تجاوز کرد و پاسداران خدا بالای دارش برد اما رگ این جان نثاران شاه و میهن حتی مرتعش هم نشد! آیا باز هم نوجوانی زیر ضربات شلاق اسلام جان سپرد؟ نه خیر. همین دیروز میرغضبهای اسلام به مناسبت "ماه مبارک رمضان" جان نوجوان ۱۴ ساله ای را در کردستان گرفتند اما قلب این عشاق ایران بدرد نیامد! اتفاق غم انگیزی رخ داده است؟ نه خیر. داستان غم انگیز فروش دختران فقر زده در بازارهای حاشیه خلیج همچنان توسط باندهای حکومت اسلامی پیش میروند و شما طوماری از پاسداران "خلیج همیشه فارس" ندیده اید! آیا اینها قلب ندارند؟ نه خیر. قلوب اینها آنچنان رثوف است که حتی برای مردم خارج از مرزهای این مرز پرگهر تاپ تاپ میکنند! در اطلاعیه هاشان آرزو کرده اند: "امید است زبان شیرین فارسی زبان دوم شیخ نشینان خلیج فارس شود!"

موضوع چیست؟

موسسه نشنال جئوگرافیک در اطلس جدیدش هفده هزار تغییر وارد کرده است. نرسید این تغییرات چه ها هستند. اصلاً این مهم نیست. مهم اینست که در میان این همه تغییرات یک جنایت غیر قابل گذشت رخ داده است: در مقابل نام "همیشه جاودان خلیج فارس" پارانتزی باز شده و داخلش نوشته

شده است: خلیج عربی! همین. و آیا همین برای طوفان بپا کردن در اردوی سلحشوران خدا و شاه و میهن کافی نیست؟

جمهوری اسلامی چندی پیش اعلام کرده بود که این خلیج اصلاً نه خلیج فارس است و نه خلیج عربی. این "خلیج اسلامی" است! و ناسیونالیسم عرب هم البته در بوق خلیج همیشه عربی میدمد. میبیند که این رزم ناسیونالیستی سه سر دارد: ژنرالهای آریایی، پاسداران اسلامی و شمشیرزنان عربی! این دیگر یک دوئل تمام عیار ناسیونالیستی-اسلامی میان عمامه داران و شنل بدوشان و عباپوشان است. حقیقتاً اگر زبانشان به دیگران نمرسید میبایست این دوئل چپان مرتجع را به حال خود رها میکردیم و چکاچک شمشیر این غیرتمندان ارتجاع ناسیونالیستی ایرانی-عربی-اسلامی را فقط با طوفان خنده استقبال میکردیم. اما اینها دار و دسته دو جنبش بسیار ارتجاعی هستند: جنبش اسلامی و جنبش ناسیونالیستی و جنب و جوشان همیشه به حال بشریت مضر است.

این جنگی بر سر اسامی فارسی یا عربی یا اسلامی نیست. این عنوانها فقط قالبهایی برای شعله ور کردن هیجانات کور ملی هستند. بورژوازی، چه عربی، چه اسلامی و چه "پارسی"، همیشه پشت هیجانان کور ملی منفعت آگاهانه زمین را دنبال کرده است. این بار هم پشت این عناوین منفعت زمینی و واقعی بورژوازی "فارس" و "عرب" و "اسلامی" قرار دارد که زبانشان متفاوت است و منفعتشان مشابه. اشک ناسیونالیستی که اینچنین بر آبهای خلیج جاری میشود نه برای "آب پاک" است و نه برای "خاک پاک." همه این اشکریشان غیور در رویای اختصاص بیشتر طلای سیاه منطقه در خدمت بورژوازی خودی شیون میکنند. از هر طرف، این اشکی برای افزودن بر شمش طلاهای زرد متعلق به خود، یعنی حکام اسلامی و بازماندگان آریامه‌ری و شیوخ عرب در صندوقهای امن بانکهای سوئیس است. و این شمشهای بی زبان نه نماز میخوانند، نه زبان شیرین

فارسی بلند و نه به عربی تکلم میکنند. نه بسم الله و نه تاج و نه شمشیر بر رویشان حک شده است. و این همان منفعت مشابه بورژواهای متفاوت است.

جالب است بدانید که سایت میهن پرستان همراه طومارشان در دفاع از تمامیت ارضی ایران عکسهایی از رنجرهای نیروی دریایی آمریکا که کودکان عراقی را در آغوش کشیده اند را پست کرده اند! یعنی این عشاق تمامیت ارضی منتظرند فاتومهای ارتش آمریکا بمب خوشه ای بر سر مردم بریزند و خلیج را از دست نمایندگان اسلامی بورژوازی بگیرند و به دست نمایندگان آریامه‌ریس بپارند.

فقط یک چیز باید همیشه جاودان باشد: رفاه، سعادت و خوشبختی انسان. خاک مقدس نیست، انسان مقدس است. مرزها هیچ موقع جاودان نبوده اند و هیچ موقع هم نخواهند بود. خود بورژوازی خاک پاک پرست هر جا لازم دیده مرزها را به هم زده است. بخش مهمی از آن هفده هزار تغییر در اطلس جدید انعکاس به هم ریختن و تغییر توازن قوا در میان بورژوازی کشورهای مختلف بعد از پایان جنگ سرد است. برای بورژوازی، تقدس تمامیت ارضی از تقدس پول و سرمایه نشات میگیرد. اگر پول و سرمایه ضروری کند "تمامیت ارضی" را برهم میریزند و اگر باز هم پول و سرمایه ضروری کند، "تمامیت ارضی" برای سرکیشه کردن کارگران در داخل مرزهای معین مقدس میشود.

خلیج و منابع و ثروتهاش نه به شیوخ عرب، نه به حکام اسلامی و نه به ژنرالهای نوستالژیک آریامه‌ری، به هیچکدام تعلق ندارد. از نظر کارگران خلیج، از نظر مردم منطقه، باید بساط حکام اسلامی و شیوخ عرب را برچید و منابع خلیج را برای ساختن مدرسه و بیمارستان و خانه و محل تفریح و رفاه مردم منطقه، رفاه کارگران مهاجر بکار برد. و این البته هنوز کافی نیست. در جهانی که روی قاعده اش بنا شود، منابع و ثروتها متعلق به همه است. خلافت مردم جهان را باید برای رفاه تمام مردم جهان سازمان داد. این البته از نظر مفتخوران بورژوازی ناسیونالیست اسلامی و آریایی و عربی نفرت انگیز است.*

کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

همراهی تعدادی از ارازل و اوباش خود و از جمله یکی از چهره های منفور رژیم به اسم رشوف مصطفی اهل اوباتو و همچنین تعدادی از قاضی های دست نشانده و مزدور رژیم در کردستان در مناطق سقز، زیویه تا اوباتو به دنبال گنج های زیر زمینی دست به تخریب مناطق زیادی زده اند و از این طریق نیز می خواهند هر آنچه ارزشی دارد را به تاراج ببرند. از طرف دیگر این جانبیان برای گسترش اعتیاد در میان مردم و بویژه جوانان کردستان، مشاهده شده که در مناطق سقز و دیواندره بدنبال خرید زمین زراعی خوب می گردند تا در آن به کشت تریاک بپردازند و اعلام کرده اند که برای زمینی خوب و مناسب کشت تریاک تا قیمت یک میلیارد تومان را خواهند پرداخت.

بیان آزادی از سقز

Yadi.mahmodi@gmail.com
Telegram:
@YadiNar

کذاتی حکومت نشان می دهد که جانبیان اسلامی چگونگی با وارونه سازی و کد گزاریهای دلبخواهی بجای تامین امنیت و معیشت مردم و جلوگیری از گسترش کرونا خود یک پای اصلی گسترش این ویروس کشنده هستند.

گزارشی از دزدی و چپاول جنایتکاران رژیم اسلامی در کردستان!

رژیم اسلامی از بدو تاسیسش تا به امروز از هیچ جنایتی در قبال مردم فروگذار نبوده، اینها با سرکوب، اعدام و کشتار کولبران در کردستان از طرفی و از طرفی دیگر با تبلیغ ارتجاعی خرافات و ایده های ارتجاعی در میان بخشی از مردم و بویژه در تعدادی از روستاهای اطراف سقز تلاش کرده اند تا به خیال خود جای پای برای خود دست و پا کنند. اخیرا مشاهده شده که سپاه جنایتکار پاسداران با

این که مراحل اداری پیچیده و کشنده، آن هم برای گرفتن بیمه ای که قبل تر از حقوق ها کسر شده است، تنها ادامه ی سیاست مکیدن زالوفتانه ی آخرین قطره های خون کارگران است. کلیه ی کارگران اعم از شاغل و بیکار باید مشمول تأمین اجتماعی شوند و دولت در پرداخت این بیمه مسئولیت مستقیم دارد. جمعیت از فعالین کارگری سنندج ۲ - انجمن کارگران فصلی و ساختمانی سنندج ۳ - جمعیت کارگران اخراجی نساجی کردستان ۴ - جمعیت از کارگران اخراجی پردیس سنندج ۵ - جمعیت از کارگران اخراجی شاهو سنندج. همچنین بخش مهمی از اطلاعیه جمعیت از فعالین کارگری در شهرهای پیرانشهر، نقده و اشونیه و نهادهای تشکلهای زیر، انجمن صنفی کارگران و برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، کانون کارگران ساختمانی کردستان و گروهی از کارگران و فعالین کارگری شهر سقز به مناسبت اول مه به همین موضع اختصاص داده شده و دولت را مسئول تامین معیشت مردم معرفی می کنند. در مورد خود آمار کرونا هم متاسفانه در هفته ای که گذشت باز برخلاف

اعاهای دروغین حکومت اسلامی، کرونا باز هم در شهرهای کردستان گسترش یافت و طبق آخرین آمارهای خود حکومت، مبتلایان و جانباختگان کرونا از این قرار است. سنندج ۴۲۶ نفر و ۲۴ نفر جانباخته، سقز ۳۶۷ نفر و ۳۴ نفر جانباخته، بانه ۱۶۹ نفر و ۱۷ نفر جانباخته، قروه ۱۱۹ نفر و ۱۹ نفر جانباخته، دیواندره ۱۰۱ نفر و ۴ نفر جانباخته، مریوان ۹۷ نفر و ۷ نفر جانباخته، بیجار ۹۳ نفر و ۸ نفر جانباخته، کامیاران ۸۲ نفر و ۹ نفر جانباخته، دهگلان ۸۲ نفر و دو نفر جانباخته و سروآباد با ۲۳ نفر مبتلا. همچنین بر طبق کد گذاریهای حکومتی شهر دیواندره جز شهرهای در وضعیت قرمز قرار گرفته، اما جالب است که شهرهای سنندج با ۳۳ درصد افزایش مبتلایان در طی یک هفته گذشته، سقز ۲۳ درصد و بانه ۲۳ درصد از طرف مقامات جنایتکار حکومت اسلامی گویا هنوز جزو شهرهای بدون خطر هستند و همین آمار

یدی محمودی

تعطیل شوند. حقوق کارگران بدون کم و کاست پرداخت شود. تنها مراکز ضروری تولیدی و خدماتی و بیمارستانی با کاهش ساعت کار باز باشند.

۳ - شعار «در خانه بمانید» ظاهر خوبی دارد، اما بدون نان و دارو و پشتوانه ی هزینه های روزانه شعاری عوام فریبانه است. برای تحقق آن تأمین معیشت همه ی شهروندان در این دوره خواست محوری جامعه است و دولت موظف به تأمین آن است.

۴ - بسیاری از هم طبقه ای های ما خانه ای ندارند که در آن بمانند. حاشیه نشینان، حلبی آبادها، کودکان کار، کارتن خوابها، گور خوابها، دستفروشان، معتادین، کارگران بخش بازیافت زباله، عمدتا بی مسکن هستند و دولت نیز همان آلوده خارج محدوده شان را نیز با بولدوزر ویران می کند. ما کارگران این اقدامات ضد انسانی را محکوم می کنیم و دولت را موظف به اسکان این شهروندان می دانیم.

۵ - ما کارگران سیاست های نژادپرستانه ی دولت و کارفرمایان در قبال کارگران مهاجر افغانستانی از جمله اخراج و ندادن هیچ امکانه ی به آنها و عدم پذیرش در بیمارستانها را قویا محکوم می کنیم. کلیه ی ساکنان ایران باید بدون تبعیض از معیشت و منزلت و سلامتی و بهداشت برخوردار باشند.

۶ - طرح پرداخت «بیمه ی بیکاری به کارگرانی که به خاطر کرونا بیکار شده اند»، فریبی بزرگ است. کار در محیط ناامن کار به اضافه ی کرونا جنایت علیه کارگران است. مسئولیت ابتلا با کارفرمایان و دولت است و آنها موظف به پرداخت بیمه ی بیکاری مکفی یا تأمین معیشت استاندارد برای بیکاران هستند.

۷ - اخراجها باید ممنوع شود. کارفرمایان کرونا را بهانه ی بیکارسازی وسیع کرده اند. مضافا



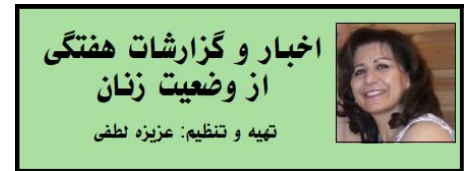
کرونا و فضای اول مه در شهرهای کردستان!

اول مه برابر با ۱۲ اردیبهشت امسال روز جهانی کارگر برخلاف تجربه بیش از ۱۳۰ سال گذشته، متاسفانه اخبار آنچنانی از رژه کارگران در پایتختهای مهم جهان نبود. در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی که قبل از کرونا هم اول مه جز جرمهای سنگین کارگران و سوسیالیستهای درون جنبش کارگری بوده، امسال نیز کارگران و تشکل های کارگری با قطعنامه های بسیار رادیکال و پیشرو به استقبال اول مه رفتند و هر جا هم کرونا اجازه داد، مراسمهای کوچک و یا سخنرانیهای اینترنتی برگزار کردند. قطعنامه های اول مه امسال چه در سطح سراسری و چه در سطح استان کردستان همگی حکایت از یک درد مشترک و آنهم، درد فشار نبود کننده کرونا بر زندگی میلیونها نفر از کارکنان جامعه بود. مردم قبل از کرونا هم زندگیشان در سایه حاکمیت ننگین رژیم دزدان و قاتلان اسلامی چندین برابر زیر خط فقر بود و با گسترش کرونا و بی مسئولیتی کامل حکومت در قبال معیشت مردم، وضع را از اینهم بسیار بدتر کرده و به همین خاطر بدست بخش مهمی از قطعنامه های اول مه کارگران و تشکل های کارگری به امر تأمین معیشت مردم و مسئولیت دولت در قبال جامعه اختصاص داشت. در این رابطه از قطعنامه ده ماده ای تشکل های کارگری زیر هفت بند آن مربوط به کرونا، تأمین معیشت مردم، حقوق مهاجرین و مسئولیت دولت در قبال جامعه است که چنین نوشته اند. " ۱- ویروس کرونا از کنترل خارج شده و با سرعت در حال گسترش است. فوراً باید مناطق مخاطره آمیز قرنطینه شود. امکانات تدارکاتی، معیشتی و بهداشتی شهروندان مناطق قرنطینه شده، باید توسط دولت تأمین شود. ۲ - کلیه مراکز کار اعم از تولیدی و خدماتی تا رفع خطر بیماری کرونا

خواستهای فوری مردم برای مقابله با کرونا و حکومت اسلامی

- ۱- توصیه های سازمان بهداشت جهانی را فوراً به جامعه اعلام کند و آنها را به مورد اجرا بگذارد.
- ۲- مرتباً مردم را با تجارب کشورهای دیگر در مقابله با کرونا مطلع کند.
- ۳- نیازهای بهداشتی و پزشکی جامعه را بطور رایگان تأمین کند.
- ۴- پرواز کلیه هواپیماها به چین و سایر مناطقی که امکان انتقال در طرفه کرونا وجود دارد را ممنوع کند.
- ۵- مدارس و دانشگاهها، کارخانه ها و سایر موسساتی که تعداد قابل توجهی مشغول کار در آنجا هستند را تا زمانی که بحران کرونا پایان نیافته است تعطیل کند.
- ۶- یادگانهها، اماکن مذهبی و مساجد و سایر اماکنی که محل تجمع مردم است را تعطیل کند و نماز جماعت را در سراسر کشور ملغی کند.
- ۷- آمار دقیق مبتلایان به کرونا و درگذشتگان در اثر این بیماری را منظم اعلام کند.
- ۸- اعلام کند که خبررسانی کاذب پزشکی و مردم در مورد کرونا کاملاً آزاد است و افرادی که به این دلیل دستگیر شده اند را فوراً آزاد کند.
- ۹- کلیه زندانیان را فوراً آزاد کند.
- ۱۰- درمان را برای عموم آزاد جامعه رایگان کند.
- ۱۱- هزینه های زندگی خانواده هایی که بدلیل ابتلا به کرونا و با بدلیل تعطیلی کارشان درآمدی ندارند را تأمین کند. قسط های بانکی شان را ملغی کند، آب و برق و گاز آنها را رایگان کند، اجاره مسکن آنها را بپردازد و سایر نیازهای روزمره شان را بطور کامل تأمین کند.

اینها بخشی از خواست های فوری مردم در مقابله با کرونا و برای تأمین معیشت مردم و جلوگیری از قربانی شدن بیشتر در این شرایط است. حکومت مقهوران و جنایتکاران اسلامی را باید تسلیم این خواست ها کرد. تنها با گوشنوا اعتراض و از جمله اعتصاب عمومی در سراسر کشور و فشار افکار عمومی جهانی است که میتوان حکومت را وادار به عملی کردن آنها کرد. در دل مقابله با کرونا مردم باید شبکه های همیاری یا یکدیگر را ایجاد و تقویت کنند، متحدتر و متشکل تر شوند و حکومت کرونای اسلامی را به زباله دان بیندازند. حزب کمونیست کارگری از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نخواهد کرد.



پرونده سازی جدید در زندان؛ امتناع چند باره اتنا دائمی از حضور در بیدادگاه رژیم هار اسلامی

آتنا دائمی فعال سیاسی محبوس در زندان اوین روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، یک بار دیگر از بابت پرونده ای که مجدداً در دوران حبس علیه وی گشوده شده، به صورت شفاهی به شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب تهران احضار شد.

اما اتنا دائمی به دلیل شیوع ویروس کرونا در کشور، عدم رعایت فاصله زمانی قانونی بین تاریخ ابلاغ و تاریخ دادگاه و همچنین عدم دسترسی به وکیل از حضور، در جلسه دادگاه خودداری کرد.

وی پیشتر در تاریخ ۳۰ فروردین و ۲۱ اسفندماه ۹۸ نیز به دلیل مشابه از مراجعه به دادگاه خودداری کرده بود. اتنا دائمی در دیماه ۹۸ به مدت ۱۵ روز از بند زندان اوین به شکنجه گاه اداره اطلاعات سپاه موسوم به بند ۲ الف زندان اوین منتقل شد.

این انتقال در پی تحصن هشت تن از زنان زندانی سیاسی در بند زندان اوین به مناسبت چهلمین روز و در همراهی با خانواده های داغدار اعتراضات سراسری آبان ماه صورت گرفته بود.

پروین محمدی آزاد شد

پروین محمدی نائب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران در ادامه پیگیری تمديد مرضی زندان خود به اجرای احکام دادگاه کرج مراجعه کرد که نامه ای مبنی بر آزادی از زندان به ایشان تحویل شد تا به زندان ارائه دهد.

پروین محمدی سال گذشته توسط دادگاه انقلاب کرج به یکسال زندان محکوم شده بود که با گذراندن یک سوم از دوران حبس خویش در حال حاضر در مرضی به سر میبرد. اتحادیه آزاد کارگران ایران آزادی پروین محمدی را به ایشان و خانواده وی شادباش گفته و خواهان آزادی دیگر کارگران زندانی است. اتحادیه آزاد کارگران ایران

علی جلالیان پدر زینب جلالیان در پاسخ به تماس شبکه حقوق بشر کوردستان

روز ۱۰ اردیبهشت ماه از طریق تماس یکی از همبندی های زینب مطلع شدیم که نیروهای امنیتی بدون اطلاع قبلی زینب را از زندان خوی برده اند. ما فوراً از ماکو که محل زندگی ماست به خوی رفتیم و از مسئولان زندان سراغ دخترم را گرفتیم که پاسخ درستی به ما ندادند. یعنی تایید کردند که نیروهای امنیتی او را برده اند اما نگفتند کجا! هر چند احتمال دادند که شاید او را برای رسیدگی به پرونده جدیدی به تهران برده باشند.

وی در ادامه گفته است: "تا اینکه بالاخره دیشب زینب در حالی که در یک اتومبیل در حال حرکت بود با ما تماس گرفت و گفت از دیروز با چشمبند و دستبند از زندان خوی به زندان های اورمیه و کرمانشاه منتقل شده، اما به دلیل خودداری این زندان ها از تحویل گرفتن او، نیروهای امنیتی در حال انتقالش به تهران هستند. در حین این گفتگو تلفن قطع شد و دیگر تماس نگرفت."

پدر این زندانی سیاسی با ابراز نگرانی شدید در ادامه گفت: "همه چیز غیرعادی است. چرا باید زینب را به طور ناگهانی از زندان خوی ببرند؟ چرا باید بدون برنامه ریزی به زندان های اورمیه و کرمانشاه منتقلش کنند؟ چرا باید تماس تلفنی که با ما داشت را بدون هیچ توضیح روشنی قطع کند؟ چه پیامی می خواستند به ما بدهند؟! من نگران این هستم که سناریوی خطرناکی در انتظار دخترم باشد. من شدیداً نگران جان دخترم هستم که به گفته خودش دو روز است در یک اتومبیل از این شهر به آن شهر برده می شود."

یادداشت ندا ناجی از بازداشت شدگان روزکارگر در سال ۹۸

پارسال این ساعت دیگر به وزرا برده بودندمان. فکر می کردیم تا دو سه روز آینده و با تعیین قرار آزاد خواهیم شد. فکر می کردیم اتفاق عجیبی نیفتاده و دست از سرمان بر خواهند داشت. همه مان به تجمع

روز کارگر رفته بودیم. تجمعی که حتی نرسیدیم شعار بدهیم. همه چیز آنقدر سریع اتفاق افتاد که از همان چند دقیقه فقط تصویر پلاکاردهایی با مشت گره کرده را به خاطر دارم و بعد کشیده شدن آدم ها روی زمین و مشت و لگدی که به سمت مان می آمد و خودم را تصور می کنم با نگاهی پرسشگر به مامور ضرب و شتم که با همین چند دقیقه جمع شدن ما عصبانی شدید.

هرکسی برای آنجا بودن دلایلی داشت و پیش بینی هایی از برخورد با تجمع و من هم. حضور من در تجمع منافع از شرایط عینیای که در آن می زیستم نبود و به گونه ای بود که نمی توانستم نسبت به آن بی تفاوت باشم. مدتی طولانی بود که به کار بی ثبات و فاقد امنیت می پرداختم و شرایط اقتصادی برآمده از نادیده گرفتن وضع عموم مردم بر زندگی من و دیگرانی که به من نزدیک بودند تاثیر داشت. یک می روزی بود که میشد تمام آن چه از نظرم مهم پنداشته می شود را در فورمی از اعتراض که حق خود و دیگرانی چون خودم می دانستم پیوند بدهیم. فرصتی بود تا بتوانیم کارگران بخش بازتولید که به واسطه ماهیت شغلشان امکان رودررو شدن با هم را ندارند یادآوری کنیم و مانع از بیرون گذاشته شدنشان از دایره استعمار شوندگان باشیم. در روز کارگر سال گذشته همچنین صدای زنانی که کار تمام وقتشان نامرئی است نیز بود. زنان خانه داری که بدون ساعت کاری مشخص کار می کنند اما در هیچ گونه از مناسبات حتی دیده نیز نمی شوند و زنانی که در گرهگاه جنسیت و فقر نوع دیگری از فرودستی را تجربه می کنند.

علی رغم این ادعا که با زنان بازداشت شده با عطف و متفاوت از مردان رفتار می شود نیز در بازداشت زن بودن تبدیل میشود به اهرم فشار برای بازجویی. از ما زنان انتظار نداشتند اعتراض کنیم و خواسته خود را در قالب اعتراض به خیابان بیاوریم. میگفتند تو که الان اینجایی همسر و مادرت در گرما و بیرون ایستاده اند تا عذاب وجدان را بر تو بار کنند. بی دلیل نبود که از بیش از چهل بازداشت شده روز کارگر تنها سه زن را برای مدتی طولانی در زندان نگاه داشتند. از زنان می خواهند که به ساحت خانه محدود بمانیم و اگر کار می کنیم تنها در خدمت همان بازتولیدی باشیم که اینروزها بیش از هر زمان دیگر اهمیتش را درمی یابیم. روز کارگر نه از سال ۹۸ آغاز شد و نه پایان خواهد یافت. قدمتی به درازای سرکوب حق خواهی کارگران دارد و این برخوردها طی تاریخ بخش جدایی ناپذیر آن بوده اند. بی آنکه از روز کارگر سال گذشته تا این نقطه که اکنون ایستاده ایم تغییری در سیر نزولی وضعیت کارگران تولیدی و بازتولیدی بوجود آمده باشد و بی آن که با وجود موقعیتی که حالا و به واسطه ویروس کرونا داریم به اهمیت مشاغلی که از آن تحت عنوان

زندگی ساز یاد می کنند توجه شود به استقبال روز کارگر می رویم اما چیزی که باید به آن توجه کرد این است که اگر به مبارزات کارگری در طولانی مدت نگاه کنیم اندک تغییری نیز که در وضعیت کار و کارگران بوجود آمده نتیجه چنین تلاش هایی است.

ندا ناجی

یادداشت نسرين جوادی به مناسبت روز جهانی کارگر

در روز جهانی کارگر سال گذشته با هیجان بسیار زیاد آماده شدیم برای رفتن به تجمع و اعتراض نسبت به وضعیت اسفناک معیشت که پایه ای ترین حقوق زندگی را از ما دریغ کرده اند. هرگز فکر نمی کردم تجمع مطالباتی که حق ابتدایی و پایه ایی ما کارگران در آن روز خاص است را به روزی امنیتی تبدیل کنند تا ما کارگران شرکت کننده در آن تجمع به زندانیان امنیتی مبدل شویم و احکام سنگین ۶ سال و ۷ سال به اضافه حکم های تکمیلی دیگر برای ما رقم بزنند. زمان خیلی کوتاهی (یکبر ساعت) از تجمع در مقابل مجلس نگذشته بود که ماموران لباس شخصی امنیتی به همراه نیروهای انتظامی، به تجمع کنندگان حمله کردند. پیر و جوان و مرد و زن هم برایشان فرقی نمی کرد زیر مشت و لگد و باتوم گرفتند و به زمین می انداختند.

از همان لحظه که ما را دستگیر کردن به مکانهای مختلف بردند. پلیس امنیت، پانزده خرداد، پلیس امنیت گیشا، وزرا و در همه این مکانها بازجویی میشدیم. سپس به زندان اوین و بازجویی های طولانی هر روزه و در آخرین بازجویی به من اعلام کردند می توانم

وکیل داشته باشم.

بعد از ۲۱ روز بازجویی در صورتی که فرد دستگیر شده باید از ابتدای دستگیری وکیل داشته باشد. پس از ۲۱ روز بازداشت موقت من را تحویل زندان زنان قرچک دادند و ۹ روز را در آنجا سپری کردم و در آخر با وثیقه آزاد شدم. دادگاه حکم سنگین ۷ سال را فقط برای شرکت در تجمع روز جهانی کارگر آن هم در مقابل مجلس صادر کرد.

زندان و احکام امنیتی برای تمام دستگیر شدگان روز جهانی کارگر فقط بدلیل اعتراض به فقر و فلاکتی که خود قهرتندان بر ما و خانواده های کارگران، معلمان و دانشجویان تحمیل کرده اند.

آیا تصور میکنید با این دستگیری ها و احکام سنگین به کارگران معترض که پیگیر مطالباتشان هستند، کنار خواهیم رفت؟ بر عکس، در صفتی متحد برای گرفتن حق زندگی و معشیت خود در کنار هم خواهیم ایستاد.

نسرين جوادی کارگر بازنشسته تامین اجتماعی

اشرف نفری، فعال توییتری با تودیع قرار وثیقه آزاد شد

اشرف نفری (قبیه)، فعال توییتری و دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه خواجه نصیر طوسی روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت با تودیع قرار وثیقه تا پایان مراحل دادرسی از زندان قرچک ورامین آزاد شد. اشرف نفری ۷ اردیبهشت توسط نیروهای امنیتی در شهریار بازداشت و با پایان بازجویی ها به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

گزارش تکمیلی از آخرین وضعیت لیلا میرغفاری

زندانی سیاسی لیلا میرغفاری، فعال حقوق زنان و از معترضان به حجاب اجباری که هم اکنون در زندان قرچک ورامین دوران حبس خود را می گذراند، از چند روز پیش به ویروس کرونا مبتلا و همراه ۱۸ تن از زنان زندانی دیگر در قرنطینه زندان و در شرایط اسفباری بسر می برد.

او طی تماس تلفنی تایید کرده، که به ویروس مرگبار کرونا مبتلا شده و از کیفیت بد غذایی گلایه کرده است.

لیلا میرغفاری در ادامه گفته: هنگامی که به جهت دادخواهی دست به اعتصاب غذا در زندان قرچک زده بود، او را تهدید کردند که اگر اعتصاب خود را نشکنند، او را به بند زندانیان کرونایی منتقل خواهند کرد تا آلوده شود.

همچنین گزارش شده که زندانی دیگری بنام "فروغ نقی پور"، نیز به کرونا مبتلا شده و توسط مزه دوران امنیتی به مکان نامعلومی منتقل شده است.

مسئولیت حفظ جان تک تک زندانیان برعهده جمهوری اسلامی است. نباید سکوت کرد. باید اعتراض کرد و صدای زندانیان اسیر شده توسط رژیم فاسد اسلامی باشیم.

"نگ و نفرت بر جمهوری اسلامی"



اطلاعیه های خبری حزب

اعتصاب کارگران آذربایجان و سیما نوشان و حمایت های بین المللی از کارگران زندانی و معلمان در بند

زنده باد اول مه! ۵/۱



فعالین کارگری
باید هورا و بی قید و شرط آزاد شوند!



احتراب و پرونده سازی علیه فعالین
کارگری باید هورا پایان داده شود!

- روز ۱۳ اردیبهشت کارگران شرکت صنایع آذربایجان در ادامه اعتراضات خود به پرداخت تنها نیمی از دستمزد اسفند ماه، دست به اعتصاب زدند. این کارگران نسبت به عدم پرداخت پاداش آخر ماه و کسری از حقوق اسفند ماه خود که دو روز قبل به آنها پرداخت شده اعتراض داشته و وارد اعتصاب شده اند. آذربایجان یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری است که کارگران بارها بر سر موضوع تعویق پرداخت دستمزدها و دزدی های پشت پرده برای به تعطیلی کشاندن کارخانه جمعاعی اعتراضی برپا کرده اند.

- روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه، گروهی از کارگران کارخانه تعطیل شده ی سیما نوشان که کار خود را از دست داده اند، در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت شغلی شان، در مقابل ساختمان این کارخانه دست به تجمع زدند.

- در پاسخ به کارزاری جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و مشخصا وضعیت جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان عفو بین الملل با انتشار طوماری اعتراضی کارزاری در حمایت از آنان به راه انداخته و از مردم تقاضا کرده است که وسیعا این طومار را امضا کنند!

از سوی دیگر پنج کنفدراسیون اتحادیه های کارگری، س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ فرانسه طی نامه ای اعتراضی خطاب به مقامات حکومت اسلامی نسبت به وضعیت هشدار دهنده اسماعیل عبدی و محمد حبیبی دو معلم در بند هشدار داده اند. اتحادیه های کارگری در فرانسه خواستار لغو همه محکومیت های غیرعادلانه و مغایر با آزادیهای پایه ای انسانی شده و بر آزادی بدون قید و شرط همه فعالین کارگری خصوصا در این دوران اپیدمی ویروس کووید ۱۹ تاکید کرده اند. حمایت های جهانی از کارگران زندانی و فعالین سیاسی دربند یک پیشروی مهم در جنبش کارگری و مبارزات مردم است. باید وسیعا به این کمپین های مبارزاتی پیوست.

جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران یکی از رهبران طومار ۴۰ هزار امضا با خواست افزایش

تعطیل اعلام کرد و مقرر شد که کارگران برای دریافت مقرری بیمه بیکاری کرونا اقدام کنند. اما در این هفته وقتی چند تن از کارگران برای پیگیری وضعیت شغلی خود مراجعه کردند، متوجه شدند که کارفرما در حال انتقال تعدادی از ماشین آلات کارخانه به خارج آن است. آنها وقتی علت را جویا شدند کارفرما اعلام کرد که به دلیل افزایش فشارهای مالی کارخانه، امکان ادامه فعالیت تولیدی در کارخانه را ندارند و این ماشین آلات فروخته شده است. در رابطه با این موضوع کارگران اولتیماتوم دادند که در اول خرداد باید کارخانه باز و همه آنها به سرکارشان بازگردند.

- روز ۱۲ اردیبهشت کارگران راه آهن شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان در گفتگو با یک رسانه محلی صدای اعتراض خود را نسبت به وضعیت نابسامان کاری خود اعلام کردند. اولین موضوع اعتراض آنها سطح نازل دستمزدهاست. کارگران میگویند با وجود سیزده سال سابقه کار و یا بیشتر فقط ۲ میلیون تومان حقوق می گیرند که با تورم کنونی کشور، این حقوق به هیچ وجه کفاف زندگی آنها را نمی دهد. بدتر اینکه حتی همین دستمزد چند بار زیر خط فقر نیز همواره با تاخیر چند ماهه پرداخت میشود. از جمله دستمزد اسفند را در اردیبهشت ماه دریافت کرده اند. از سوی دیگر علیرغم اینکه آنها بیمه تامین اجتماعی هستند اما برای آنها بیمه شرایط سخت پرداخت نمی شود و در نتیجه از همان بیمه بسیار نازلی که حق شان است نیز برخوردار نمیشوند.

معضل دیگر این کارگران نوع قراردادهای برده وار کاری و دزدی و چپاول آشکار حق و حقوق آنها توسط صاحبکاران است. از جمله به گفته کارگران شرکت طرف قرار داد راه آهن مانند شرکت ریل صنعتکاران، قرارداد ۹۰ روزه با کارگران می بندد اما به جای پرداخت حق بیمه سه ماهه، بیمه ۷۵ یا ۸۵ روز را پرداخت می کند و حتی در قرارداد شغلی، کارگران خط راه آهن را کارگر ساختمانی قید می کند تا از پرداخت مزایای مربوط به آن شغل طفره رود. بعلاوه شرکت باید قراردادهای را به صورت سالیانه منعقد کند و تمام حقوق و مزایا، حق ماموریت و ایاب و ذهاب کارگران رسمی را برای کارگران لحاظ کند. اما با انعقاد قرارداد های ۳ ماهه از زیر بار پرداخت حق و حقوق آنان شانه خالی می کند. همچنین شرکت های طرف قرار داد موظف هستند در صورت اعزام کارگران به ماموریت شبانه اضافه کاری را دو برابر حساب کنند اما با قراردادهای سه ماهه از پرداخت این مبلغ نیز خودداری می کنند و حتی اگر آنها برای تعمیر خط به مناطق دورتر مثل فهرج برون باید هزینه ایاب و ذهاب و غذا را از جیب خودشان بپردازند. کارگران میگویند که شغل آنها جزء مشاغل سخت محسوب می شود و بسیاری از همکارانشان به همین دلیل پس از ۲۰ سال سابقه کار بازنشست می شوند اما شرکت های طرف قرارداد راه آهن، شرایط سختی کار را برای کارگران واریز نمی کنند و بهانه می آورند این کار جزء مشاغل سخت نیست. و بالاخره اینکه اکنون در دل بحران کرونا هیچگونه امکانات پیشگیری از ابتلاء به بیماری برای آن ها وجود ندارد و حتی ماسک و دستکش نیز در اختیارشان گذاشته نمیشود. در رابطه با این مشکلات کارگران راه آهن بارها بصورت سراسری دست به اعتصاب زده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۳ مه ۲۰۲۰

اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر معدن زغال سنگ کرمان

روز ۱۵ اردیبهشت سه هزار و پانصد کارگر شرکت زغالسنگ کرمان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در

دستمزدها به بالای خط فقر است. او در کوران بحران کرونا نیز طی مصاحبه ای ضمن اشاره به وضع فاجعه بار زندانها و تهدید خطر ابتلای زندانیان به این بیماری مرگبار، خواستار تعطیلی زندانها و آزادی همه زندانیان شد. همچنین جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان دو چهره شاخص کارگری هستند که در سال ۹۵ کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات را به راه انداختند و این کمپین به حرکتی اجتماعی تبدیل شد. محمد حبیبی نیز عضوی دیگر از هیات مدیره کانون صنفی معلمان است که جرمش دفاع از خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و پیگیری خواسته های اعتراض معلمان بوده است جمهوری اسلامی در برابر این خواست مقاومت کرده و زندانها را دایر نگاهداشته و حتی با مرخصی جعفر عظیم زاده مخالفت میکند. اسماعیل عبدی نیز که برای نوروز به مرخصی رفته بود به زندان بازگردانده شد. جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی بخاطر چنین مبارزاتی امروز در زندانند. حمایت از آنان حمایت از خواسته هایی است که آنها پرچمش را بلند کرده اند و سراسری است. جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. زندانها باید تعطیل شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲ مه ۲۰۲۰

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۰
اخباری از اعتراضات کارگری

- روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۵۰ نفر از کارگران و کارکنان آیفای اهواز و روستایی، در اعتراض به ادغام این دو شرکت در آیفای خوزستان در مقابل استانداری در اهواز تجمع کردند. تجمع کنندگان در این روز با نصب بنرهای بر روی دیواره ورودی شرکت نوشته بودند؛ «با ادغام آیفای اهواز با آیفای استان مشکلات آیفای استان حل نخواهد شد، کلاتشهر اهواز با ادغام آیفای اهواز با آیفای روستای بزرگ مشکلی حل نخواهد کرد». به گفته کارگران از آنجا که شرکت های آیفای استان خوزستان و روستایی دارای بدهی بسیاری به پیمانکاران، تامین اجتماعی و کارکنان هستند، نتیجه این ادغام وضعیت اسفناک تر شرایط کار و زندگی کارگران خواهد بود.

- روز شنبه ۱۳ اردیبهشت، کارگران چند کویر خاوران در تماس با رسانه ای دولتی صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض این کارگران به بلاتکلیفی معیشتی بدنبال تعطیلی کارخانه در کوران بحران کرونا است. این کارخانه دو ماه است که تعطیل است. خواست کارگران تعطیلی کار با پرداخت حقوق است. حقوق اسفند این کارگران در اردیبهشت پرداخت شد و آنها هنوز دو ماه دستمزد طلب دارند. این درحالیست که کارفرما ۲۵ درصد از حقوق کارگران را به دلیل ضرر و زیان از تولید کسر کرده است و برای ۴۵ روز ۳۸۰ هزار تومان از حقوق آنها کسر شده است.

کارخانه چند کویر خاوران در شهرک صنعتی شماره ۲ شهرستان خوسف، استان خراسان جنوبی واقع و در حال احداث است. فاز اول آن شامل کک و گندله سازی است که راه اندازی شده است. در این کارخانه ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.

- روز ۱۳ اردیبهشت کارگران کارخانه آذر کنترل طی بیانیه ای در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه حقوق و تعطیلی ناگهانی کارخانه و فروش بخشی از ماشین آلات این واحد تولیدی از سوی کارفرما، به مسئولین اخطار دادند. به گفته کارگران به دنبال شیوع ویروس کرونا کارفرمای کارخانه آذر کنترل که در زمینه تولید انواع رگلاتور بخاری و آبگرمکن فعالیت تولیدی دارد، کارخانه را موقتاً تا پایان اردیبهشت ماه

از صفحه ۷ اطلاعیه های خبری ...

تجمع و تظاهرات کارگران اراچی
شرکت حفاری نفت در جنوب

بنا بر خبر رسیده به حزب امروز ۱۵ اردیبهشت صد کارگر شرکت حفاری نفت در جنوب دست به راهپیمایی زدند. این کارگران به نمایندگی از چند هزار کارگر این شرکت که در معرض اخراج قرار دارند، در اعتراض به در پیش بودن موجی از بیکارسازیها در شرکت ملی نفت مقابل ساختمان مرکزی شرکت حفاری تجمع کردند و سپس بصورت راهپیمایی به سمت استانداری شهر اهواز حرکت کردند. طرح این اخراجها بدنبال دستور وزیر نفت جمهوری اسلامی به شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب مبنی بر ترخیص ۲۰ دکل حفاری شرکت حفاری ایران به راه افتاده است. ترخیص این دکل ها بیکاری ۴ هزار نفر از پرسنل این دکل را در پی دارد. ۳۷۰۰ نفر از آنها کارگران رسمی و قراردادی و ۳۰۰ نفر آنان کارگران روزمزد هستند. بعلاوه در پی انجام این کار حدود ده هزار نفر که کارشان به صورت غیر مستقیم در ارتباط با صنعت حفاری است نیز در خطر از دست دادن کارشان هستند. این اخراج ها قرار است به تدریج صورت گیرد. صد نفر از آنان در این هفته اخراج شدند و تا آخر هفته نیز قرار است ۴۰۰ کارگر دیگر اخراج شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران شرکت نفت را به اعتراض متحدهانه به اخراجها و بیکارسازیها فرا میخواند. با اعتراضی محکم و متحدهانه میتوان کل سیاست بیکارسازیهای جمهوری اسلامی را به شکست کشاند و از حقوق همه کارگران و امنیت شغلی شان دفاع کرد. با اعتصاب و راهپیماییهای گسترده و با دخالت و شرکت وسیع خانواده های کارگری میتوان توطئه گریها و طرحهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را به شکست کشاند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۴ مه ۲۰۲۰

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۱ اطلاع رسانی حق مردم است. دستگیری محکوم است!

ابوالفضل شکاری، سخنگوی نیروهای مسلح رژیم اعلام کرده است که: "۳۶۰۰ نفر از افرادی که درباره شیوع ویروس کرونا «شیاعسازی» می کردند، به دست نیروی انتظامی و بسیج بازداشت شده اند و تعداد ۱۱۳۶ پرونده قضایی نیز تشکیل شده است."

جرم دستگیرشدگان ارائه تصویر واقعی از وضعیت بیماری کرونا و بی مسئولیتی کامل حکومت در مقابله با کرونا است. دستگیرشدگان از شهرها و بیمارستانهای محل کار خود اقدام به تهیه فیلم و عکس و گزارش کرده و حقایقی را در مورد

ادامه اعتراضات کارگران زغال سنگ به فروش سهام معدن و خطر بیکار شدنشان از کار و تعویق پرداخت دستمزدها و عدم پاسخگویی به دیگر مطالباتشان صورت میگیرد. کارگران اعتصابی در مقابل محل کار خود تجمع کردند و درخواستهای خود تاکید نمودند. قبلا نیز در همین رابطه کارگران این معدن در سه شهرستان راور، کوهبنان و زرند اعتصاب داشتند و با برپایی تجمع در مقابل دفتر امام جمعه های این سه شهرستان تجمع کردند. در این تجمعات به کارگران وعده داده شد که تا ۱۰ اردیبهشت به مشکلات آنها رسیدگی خواهد شد و کارگران اولتیماتوم داده بودند که اگر پاسخی نگیرند اعتراضات خود را از سر خواهند گرفت. امروز در ادامه این اعتراضات کارگران متحدهانه وارد اعتصاب شده اند و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته های خود به اعتراض ادامه خواهند داد.

کارگران معدن زغال سنگ کرمان به سطح نازل دستمزدها اعتراض دارند و بعنوان یک قدم فوری خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت دیگر مزایای شغلی خود هستند. به گفته کارگران بسیاری از آنها بعد از ۲۰ سال سابقه کار در زیر زمین و شرایط مرگبار و اسفناک کاری تنها دو میلیون و هفتصد هزار تومان مزد میگیرند که چندین بار زیر خط فقر است.

این کارگران در تجمع قبلی خود روز اول اردیبهشت طی نامه ای خواسته های خود را اعلام کرده و از جمله بر خواسته های زیر تاکید کرده بودند: تبدیل وضعیت قرارداد کارگران از انجام کار معین به قرارداد دائم، پرداخت حق بیمه و تامین حقوق فروردین ۱۳۹۹ کارگران که کار به دلیل کرونا تعطیل بوده، اجرای صحیح، کامل و بدون نقص طرح طبقه بندی مشاغل، احتساب ضریب شغلی بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان آور، پرداخت حق اضافه کاری مقرری، افزایش دستمزد متناسب با سایر مشاغل و افزایش های سالیانه برای کارگران معادن زغال سنگ کل استان و داشتن امنیت شغلی

اعتراض کارگران زغال سنگ کرمان به دزدی های پشت پرده و بالا کشیدن سهام معدن و به خطر افتادن کار و معیشتشان، به طور واقعی محور مشترکی با اعتراضات کارگران آذرآب، هپکو، نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و بسیاری مراکز دیگر کارگری دارد که در آنها دزدی و چپاول و قراردادهای برده وار کاری بیداد میکنند و همه این مراکز همواره کانون های داغ اعتراض بوده اند و این موضوع اعتراضی سراسری در سطح جامعه است. امروز کارگران زغال سنگ کرمان در برابر این بساط چپاول و دزدی به میدان آمده اند. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع خود از مبارزات کارگران زغال سنگ بر نقش خانواده ها در تقویت این مبارزات و اطلاع رسانی گسترده و جلب همبستگی مردم کرمان که بسیاری از آنها خانواده ها و وابستگان همین کارگران هستند و کارگران در دیگر مراکز کارگری تاکید دارد. ما همه کارگران و مردم را به حمایت از کارگران زغال سنگ کرمان فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۳ مه ۲۰۲۰

گسترده گی بیماری، تلفات و شرایطی که در بیمارستانها حاکم است، بیان کرده اند. به این ترتیب آنها تصویر پردازی کاذب و دروغگویی های حکومت را بر ملا و در هم شکسته اند.

جمهوری اسلامی همدست کروناسنت. از همان ابتدا با پنهانکاری، ادامه پروازها به چین، قرنطینه نکردن قم، تعطیل نکردن مراکز کار و تجمع و نماز جمعه ها و مراکز مذهبی، عدم اختصاص بودجه لازم برای مبارزه با کوید ۱۹ و عدم تهیه تجهیزات و لوازم پزشکی برای بیمارستانها، جلوگیری از ورود کمک های انساندوستانه کشورهای دیگر، ممانعت از تاسیس بیمارستان توسط پزشکان بدون مرز و اخراج آنها، اشاعه خرافات و ارائه آمارهای دروغ روی آورد. اکنون در یک اقدام بغایت ضد انسانی علیه کادر درمانی و افرادی که در مورد این بیماری اطلاع رسانی کرده اند، همدستی خود با ویروس کرونا را تکمیل کرد. حکومتی که حداقل تلاش را برای مقابله با کرونا کرده باشد لزومی به دستگیری هزاران نفر از مردمی که مشاهدات خود را منتشر کرده اند ندارد.

اطلاع رسانی نه فقط حق، بلکه یک وظیفه انسانی است. کادر درمانی و خانواده های بیمارارن و هر فرد مسئولی حق دارد و وظیفه دارد حقایق را به جامعه اعلام کند. آنچه مصداق مجرمانه دارد و ضد انسانی و شرم آور است رفتار مسئولین حکومت و رسانه های آن است.

دستگیری هزاران نفر از کسانی که اطلاع رسانی کرده اند اعتراف به شکست سیاست ارباب و سرکوب حکومت در دل بحران کرونا است. این بازداشت ها و همچنین احضار فعالین کارگری در هفته های اخیر نمایانگر تلاش حکومتی است که نگران بقا خود است. جامعه خود را برای شرایط پس از کرونان و مقابله با حکومت آماده میکند و حکومت برای پیشگیری از خیزش مجدد دست به این تلاش های عبث زده است.

حزب کمونیست کارگری سیاست ضد انسانی حکومت در مقابله با بیماری کرونا و دستگیری ها را محکوم میکند و اقدام مسئولانه و بشردوستانه کادر درمانی و خانواده های بیمارارن در اطلاع رسانی را ارج میگذارد. همه دستگیرشدگان باید بی درنگ آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۵ مه ۲۰۲۰

**برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونای
جمهوری اسلامی رهایی یافت!
سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی**

حزب کمونیست کارگری ایران
W/P/ Worker-communist Party of Iran

تلفن و ای میل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!